

زنان تأثیر اشتغال زنان بر خانواده

در جامعه ما زنان زیادی هستند که تحصیلات را به امید ورود به بازار کار به پایان رسانده‌اند.



در جامعه ما زنان زیادی هستند که تحصیلات را به امید ورود به بازار کار به پایان رسانده‌اند.

آنها می‌خواهند نقش تازه‌ای در جامعه‌ای داشته باشند که کلیشه غالب در آن برای زنان، نقش همسری-مادری است. کار زنان در خانه و خارج از خانه چه تأثیری بر روابط اعضای خانه، اعتماد به نفس زنان و ساخت قدرت در خانواده خواهد گذاشت؟ آیا زنانی که در خانه می‌مانند و فقط کارهای خانه را مدیریت می‌کنند با زنانی که هم کار خانه را انجام می‌دهند و هم در امرار معاش خانواده سهم دارند فرق‌های اساسی دارند؟ در تحقیق سمانه کوثری با هدف شناخت نتایج مثبت و منفی اشتغال خارج از منزل زنان بر خانواده، به بررسی تأثیر اشتغال زنان در خارج از منزل بر خانواده پرداخته شده است که در ادامه می‌آید.

زنان نیمی از جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند و دوسوم کار همین دنیا را انجام می‌دهند ولی بخش عمده‌ای از این کار در قالب مشاغل غیررسمی انجام می‌شود. نرخ اشتغال زنان در کارهای رسمی در کشورهای متفاوت است. در اسپانیا و ایتالیا شکاف اشتغال مردان به زنان 20 درصد است و برعکس در کشورهایی مانند سوئد این شکاف خیلی کم و حدود 4 درصد است. نرخ مشارکت زنان در بازار کار کشورهای پیشرفته آمریکای شمالی و کانادا، حدود 50 درصد است، در حالی که این عدد در کشورهای خاورمیانه، بین 11 تا 13 درصد است. نرخ اشتغال زنان در ایران، بر اساس آمارهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، حدود 11 درصد و بر اساس برخی آمارهای غیررسمی، بالغ بر 13 درصد است.

در بهترین حالت هم اگر بخواهیم موضوع را ارزیابی کنیم باید بگوییم حداکثر 15 درصد از جمعیت زنان در ایران توانسته‌اند وارد بازار کاری شوند که به حساب می‌آید و بیمه می‌شوند.

اخیرا با این استدلال که اشتغال همین 15 درصد از زنان بر زندگی زنشویی و روابط خانوادگی و... تأثیر مخرب دارد آیین‌نامه دورکاری یا کار در خانه (Teleworking) کارمندان دولت تصویب و اجرایی شد. کمی زود است در مورد نتایج این طرح نظر بدهیم اما در تحقیق سمانه کوثری-کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی- که برای مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام انجام شده مشخص شده است که همسران زنان شاغل نسبت به همسران زنان خانه‌دار، مشارکت و همکاری بیشتری در امور منزل دارند و همچنین زنان خانه‌دار نسبت به زنان شاغل نقش‌های خانوادگی (همسری و مادری) را بهتر ایفا می‌کنند و از سوی دیگر شاخص کیفیت روابط زوجین در زنان شاغل بالاتر از زنان خانه‌دار است اما این تفاوت از لحاظ آماری معنادار نیست. زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار از اعتماد به نفس بالاتری برخوردارند و در خانواده‌هایی که زنان شاغل هستند الگوی قدرت افقی و دوسویه و تصمیمات درباره مصالح و برنامه‌ریزی‌های خانواده توسط زوجین صورت می‌گیرد و این امر در خانواده‌هایی که زنان خانه‌دار هستند، کمتر مشاهده شده است.

این پژوهش درصدد است که تقسیم کار میان همسران در امور خانه، ایفای نقش‌های خانوادگی، کیفیت روابط زوجین، اعتماد به نفس زنان و ساخت قدرت در خانواده را در 2 گروه زنان شاغل و خانه‌دار بررسی کند.

این تحقیق که با عنوان بررسی تأثیر اشتغال زنان در خارج از منزل بر خانواده انجام شده با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه در شهر تهران با انتخاب نمونه 384 نفری از زنان متاهل شاغل و خانه‌دار صاحب فرزند ساکن شهر تهران آغاز و سپس اطلاعات گردآوری شد. شیوه نمونه‌گیری تحقیق براساس نمونه‌گیری طبقه‌ای نامتناسب است. هدف اصلی تحقیق حاضر، شناخت نتایج مثبت و منفی اشتغال خارج از منزل زنان بر خانواده است.

از مجموع 384 نفر زنان شرکت‌کننده در این پژوهش، 50 درصد آنان را زنان خانه‌دار و 50 درصد را زنان شاغل تشکیل داده‌اند. میزان مشارکت همسران در بین زنان خانه‌دار 3/56 درصد به میزان پایین، 1/39 درصد به میزان متوسط و 7/4 درصد در حد زیاد است و در بین زنان شاغل 1/32 درصد این مشارکت در حد کم، 7/53 درصد در حد متوسط و 2/14 درصد در حد زیاد گزارش شده است. بنابراین مشارکت و همکاری همسران زنان خانه‌دار در حد پایین و در میان زنان شاغل در حد متوسط است.

در گروه زنان خانه‌دار 5/25 درصد آنان نقش خود را در حد متوسط و 5/74 درصد در حد بالا ایفا کرده‌اند و زنان شاغل 6/1 درصد در حد پایین، 4/37 درصد در حد متوسط و 1/61 درصد در حد بالا توانسته‌اند نقش‌های محوله را انجام بدهند؛ به عبارتی زنان خانه‌دار و

همچنین زنان شاغل توانسته‌اند نقش‌های خانوادگی (همسری و مادری) خود را انجام بدهند.

یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که میزان کیفیت روابط زوجین در بین زنان خانه‌دار و زنان شاغل در حد بالا اظهار شده است. زنان شاغل و همچنین زنان خانه‌دار از اعتماد به نفس بالایی برخوردار هستند.

در بررسی ساخت قدرت در خانواده‌ها مشاهده می‌شود که در خانواده‌های زنان خانه‌دار، 25 درصد ساخت قدرت مشارکتی است؛ یعنی مشترکا تصمیم‌گیری توسط زوجین صورت می‌گیرد، 7/66 درصد ساخت قدرت در خانواده آنها بینابین و 3/8 درصد تصمیم‌گیری درباره مصالح و مسائل خانواده‌شان توسط مرد انجام می‌شود و ساخت قدرت در خانواده‌های زنان شاغل 5/44 درصد مشارکتی، 7/49 درصد بینابین و 8/5 درصد یک سویه است؛ به عبارتی در خانواده، مرد بدون مشورت همسرش تصمیم‌گیری می‌کند.

تحلیل فرضیات

نخستین فرضیه این تحقیق به چگونگی تقسیم‌کار بین 2 گروه زنان خانه‌دار و شاغل اختصاص داشت. تحلیل روابط میان این دو متغیر در این تحقیق نشان می‌دهد که اشتغال زنان باعث می‌شود تقسیم کار در خانواده مشارکتی انجام شود و این باور که تقسیم‌کار در خانواده براساس جنسیت صورت می‌گیرد، کمی متعادل‌تر بشود، به نحوی که همسران زنان شاغل در اموری که مربوط به زنان است وارد شوند و همکاری و همیاری داشته باشند. بر اساس نظر جامعه‌شناسان شوهرانی که در کارهای خانه‌داری و مراقبت از فرزندان مشارکت کنند فشار مضاعف بر همسر را در ایفای موازی نقش کاری و خانوادگی می‌کاهد.

در ادامه تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش، اشتغال باعث شد 2 نقش مهم همسری و مادری زنان به چالش کشیده شود. می‌توان گفت این دو نقش همان نقش #171& بیانگر؛ است که پارسونز (جامعه‌شناس) از آن یاد می‌کند و حفظ این نقش را برای اعضای خانواده و همچنین برای حفظ وحدت خانوادگی لازم می‌داند و از طرفی طبق نظر #171& ساموئل آری؛ تعارض نقش شغلی- همسری، تعارض نقش شغلی- والدینی و تعارض نقش شغلی- خانه‌داری و به‌طور کلی تعارض کار- خانواده تأثیر منفی بر سلامتی و عملکرد نقش فرد باقی می‌گذارد و موجب ناخشنودی از کار، ازدواج و زندگی می‌شود.

بررسی نتایج به‌دست آمده در این تحقیق نشان داد که بین وضعیت اشتغال زنان با کیفیت روابط زوجین رابطه آماری وجود ندارد. این عدم اثبات رابطه به این معنا نیست که به‌طور کلی بین این دو متغیر رابطه‌ای وجود ندارد بلکه این امر شاید ناشی از تفاوت‌های فرهنگی- اجتماعی جامعه مورد نظر و حتی وقوع پدیده‌ای باشد و یا متأثر از متغیری باشد که در این تحقیق مورد بررسی قرار نگرفته است.

یکی دیگر از نتایج این تحقیق حاکی از آن است که اشتغال برای زنان اعتماد به نفس به‌همراه خواهد داشت. یکی از عوامل تأثیرگذار به شیوه اعمال قدرت، درآمد و دارایی زنان است. هنگامی که زنان منابع ارزشمندی در اختیار داشته باشند احتمال دارد که قدرتی نزدیک و برابر با هم داشته باشند، این زنان به صورت رودررو اعمال قدرت کنند و از طریق گفت‌وگو، بحث و مذاکره تنش‌ها را رفع کنند.

زمانی می‌توان از مشارکت اجتماعی زنان و حضور فعال آنان در خارج از خانه سخن گفت که پیشاپیش مناسبات دمکراتیک در خانواده‌ها بین زن و مرد برقرار شده باشد تا آنان بتوانند با فراغت و توان بیشتری به مشارکت در عرصه‌های مختلف بپردازند و از این طریق بتوانند به انتظارات اجتماعی از یکسو و نیازها و خواسته‌های خودشان از سوی دیگر پاسخی مثبت بدهند. برای دستیابی به این مهم، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

تغییرات فرهنگی که باید، در نظام ارزش‌ها و تخصیص نقش‌ها و جابه‌جایی وظایف که مستلزم مشارکت مرد در انجام امور خانه‌داری است، ایجاد شود؛ اعتقاد و باور به لزوم حضور زنان در صحنه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور ایجاد شود؛ جهت کاستن از مسائل و مشکلات زنان شاغل طرح‌های مؤثر و مفیدی همچون کاستن از ساعت کار روزانه و تغییر در ساعت کار هفتگی ایجاد شود تا زنان بتوانند با پایان کار روزانه، در صورت لزوم بدون نگرانی از عواقب ترک محل کار، به منزل خود بازگردند؛ با توجه به افزایش فزاینده مادران شاغل و به منظور جلوگیری از اثرات جبران‌ناپذیر رشد و نمو کودک، افزایش مرخصی زایمان و ایجاد مهدکودک در محیط کار طبق استاندارد جهانی ضروری به‌نظر می‌رسد.

بنابراین با توجه به شرایط زندگی در جامعه امروزی و با توجه به تمامی دگرگونی‌هایی که در آن صورت گرفته، مانند کاهش تعداد فرزندان، واگذار کردن قسمتی از جامعه‌پذیری کودکان به مدارس، عدم کفایت یک درآمد برای زندگی یک خانواده، وجود دختران تحصیل‌کرده که تنها نقش مادری و همسری به آنان واگذار شده است، مشکلات زندگی مادران شاغل، حاکمیت نگرش‌های مدرن در جامعه برای مردان و نگرش‌های سنتی در خانواده برای زنان، وضعیتی پیچیده را شکل داده است.